



تنها راه پیش‌برد کشور استفاده از توانمندی‌های بخش خصوصی است

صفحه ۲



اخراج چهره ضدایرانی کاخ سفید

صفحه ۱۰

حاکمیت حق مردم است مردم سالاری

چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳ - ۲۱ رجب ۱۴۴۶ - ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ - سال بیست وچهارم - شماره ۶۴۵۹ - ۱۲ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان

«مردم سالاری» بررسی کرد

دولت چهاردهم به‌دنبال خلق افق‌های جدید

صفحه ۲



در رزمایش امنیتی - تهاجمی نیروی زمینی ارتش صورت گرفت

رکوردزنی قابلیت تسلیحات ارتش

صفحه ۲

یادداشت

ترک مخاصمه از منظر حقوق بین‌الملل

شادی کشاورزی

اجرای ترک مخاصمه، خطوط استقرار نیروهای طرفین، اقدامات ممنوعه و وضعیت زندانیان جنگی در حالت ترک مخاصمه باشد. فرمان ترک مخاصمت توسط دولت‌ها صادر و بوسیله فرماندهان عالی نظامی همان دولت‌ها می‌تواند امضا گردد و اصولاً بلافصله پس از فرمان، اجرا می‌گردد و معتبر است.

استمرار طولانی تعلیق تخاصم و عملیات جنگی ممکن است صلح را ایجاد نماید، اما در این که چه مدت زمانی نیاز است تا ایین حالت به وجود آید بین حقوق‌دانان انفساق نظر وجود ندارد. به عبارتی، مشخص نیست بین انعقاد فراداد ترک مخاصمه و قرارداد صلح چه مدت زمانی می‌گذرد و تنها بعد از امضا قرارداد صلح است که یک مخاصمه به صورت کامل از بین رفته محسوب می‌گردد.

در اقدامات رژیم منحوس صهیونیست در نوار غزه نقض فاحش قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و اقدامات ایمنی کافی، به یک خطر جدی برای حقوق غیرنظامیان مخصوصاً زنان و کودکان مظلوم

ترک مخاصمه (توقف خشونت و جنگ)، نوعی موافقتنامه کتبی بین دولت‌های درگیر مخاصمات مسلحانه است و تابع قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌باشد که با هدف تضمین و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد می‌گردد و پیامدهای حقوق بشری را نیز به همراه خود دارد. آتش بس زمانی رخ می‌دهد که دولت‌ها درگیر مخاصمات مسلحانه‌ای هستند و شهروندان برای دفاع از وطن، جان و مال و ناموس نیز درگیر جنگ ایجاد شده می‌گردند. آتش بس باید به‌گونه‌ای باشد که رعایت قواعد و شروط مربوط به آتش‌بس و حقوق مردم اجرا و تضمین گردد.

ترک مخاصمه روزی که معنای معلق شدن عملیات نظامی است. در مواد ۳۶-۴۱ کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ پیش‌بینی شده است و معمولاً با مساعی جمیله یا میانجیگری دولت ثالثی انجام می‌شود.

یک قرارداد ترک مخاصمه باید شامل مواردی چون تاریخ و زمان دقیق ترک مخاصمه، مدت زمان

یادداشت

ساختمان‌های نایمن و تذکراتی که به جایی نمی‌رسند

علی اکبر فرقانی

برخی مسائل و مشکلات شهری و نایمنی ساختمان‌ها با این که مورد وثوق مسئولان امور شهری قرار می‌گیرد و در جلسات شورای شهر عنوان و رسانه‌ای می‌شود، متأسفانه پس از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود. به عنوان نمونه: ۱- همین چند روز پیش شهردار ناحیه ۱ منطقه ۱۱ تهران اعلام کرد: پاساژ علاالدین پایان کار ندارد، تا‌ماین ۱۳۸۷ پارکینگ را به مدت ۱۳ سال انجام نداده، تخلفات متعدد شهرسازی دارد، نایمن است و سازه آن برای شهروندان و کسبه خطرناک است و کلکسیونری از تخلفات عدیده است.

با فشار رسانه‌ها و اقدام شهرداری بر شفاف‌سازی و تبیین وضعیت این ساختمان، مالک در اقدامی سوال برانگیز برده‌های مشکئی که یک سال روی سازه را پوشانده بود برداشت و ظن اقدام برای ایمن‌سازی ایجاد شد، اما هیچ مراجعه‌ای به شهرداری برای ایمن سازی و اقدامی نشد تا اینکه روز گذشته شاهد پرده‌گذاری مجدد روی بنا بودیم و این بار با رنگ سفید.

ایین کار یعنی بازی با افکار عمومی. حال‌هم نوبت بازار گل امام رضاع) است و عوامل شهرداری

و بی‌گناه فلسطین به شدت دیده می‌شود. فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای بر اسرائیل و نیز قدرت بالای حماس و مقاومت مردم فلسطین از عوامل ایجاد عقب‌نشینی اسرائیل و برقراری آتش بس محسوب می‌گردد. یکی از اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیستی نقض حقوق اسرای جنگی فلسطین بر مبنای اصول و قواعد حقوق بشر است و براساس آتش بس مذکور اسرای جنگی فلسطین آزاد خواهند شد و ایین موضوع خود به این معنی می‌باشد که رژیم اسرائیل شکست خورده محسوب می‌گردد چون نتوانسته است گروگان‌های خود را در حالت جنگ و با کشتار غیرنظامیان و ایجاد فشار نظامی چسون ویران و بمباران کردن زیرساخت‌های مدنی چون مدارس و حتی بیمارستان‌ها آزاد نماید و ایین توافق آتش بس با شروط حماس صورت گرفته است و ایینا همگی یک معنا دارد شکست صهیونیست ظالم در برابر مردمان مظلوم غزه.

یادداشت

پشت پرده جنجال ترامپ درباره گرینلند

محمدکاظم سجادیپور

شمال بود.حضور ناتو مخصوصاً در دهه اخیر و به طور خاص بعد از قضایای اوکراین، در منطقه قطب شمال افزایش یافته است. پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو، به عنوان دو کنشگر قطب شمالی در این چارچوب در خور عنایت می‌باشد.

جالب آنکه چین از دو دهه گذشته، جاده ابریشم قطبی را به عنوان مکمل کلان پروژه جاده ابریشم خود معرفی کرده و اقدامات عملی در این خصوص اتخاذ کرده است و جالب آنکه در ادبیات استراتژیک

جدید ایالات متحده، از همکاری چین و روسیه در زمینة نظامی در قطب شمال بحث می‌شود.همراه با نگرش‌ها و طراحی‌های نظامی، باید اشاره‌ای به فعالیت‌های دیپلماتیک در قطب شمال نیز کرد. در قالب دیپلماسی چندجانبه، شورای قطب شمال باخضور آمریکا، روسیه، کانادا، سوئد، فنلاند، دانمارک و چین راهاندازی شده است. این شورای بین‌المللی، حدود دوجین عضو ناظر دارد و گستره قابل توجهی از مسائل و موضوعات در اجلاس‌های مختلف آن مطرح می‌شود.

در دو دهه گذشته، شورای قطب شمال، نسبتاً یکی از فعال‌ترین نهادهای چندجانبه بوده است. اما ایالات متحده مهم‌ترین کنشگر در قطب شمال می‌باشد. فعالیت ایالات متحده در قطب شمال، عمدتاً با نگاه استراتژیک و البته با وجوه برجسته علمی و اقتصادی است. می‌توان گفت که آمریکا، منظومه‌ای چندلایه در مورد قطب شمال است. پنتاگون سا وزارت دفاع آمریکا در سال ۲۰۲۴ میلادی، استراتژی قطب شمال را تدوین و ارائه داد. قطب شمال منصوب کرده است. در شهر واشنگتن، وزیر خارجه آمریکا، سفیر ویژه‌ای را برای امور رقابت استراتژیک آمریکا و شوروی تعریف می‌شد و به نوعی انحصار کنشگری و آن هم کنشگری نظامی، در اختیار واشنگتن و مسکو بود. اما در دوران بعد از جنگ سرد، از نظر ژئوپلتیک، دگرگونی‌های قابل توجهی در قطب شمال رخ داد و آن باز شدن این منطقه نسبتاً بسته و افزایش کنشگران در آن منطقه و البته چندوجهی شدن پدیده‌های مربوط به قطب شمال می‌باشد. مهم‌ترین وجه شاید تغییرات اقلیمی در قطب شمال، پیوسته‌ترین و وحشیانه‌ترین تغییرات اقلیمی در جهان است. ترومن به دانمارک که مالکیت گرینلند را در اختیار دارد، پیشنهاد ۱۰۰ میلیون دلاری داد ولی دانمارک موافقت نکرد ولی در ۱۹۵۳ با قرارداد ویژه نظامی برای استقرار نیروهای نظامی آمریکا در گرینلند موافقت کرد. آرزوی خرید و الحاق گرینلند در دوره اول ترامپ در ۲۰۱۹ مطرح شد. اما به نظر می‌رسد که در دور دوم سروصدا و ماجرای گرینلند، متفاوت‌تر باشد

فرستادن فرزند ترامپ به مرکز گرینلند در هفته اول ژانویه۲۰۲۵ در کنار اهمیت بستر تاریخی مورد اشاره لایه‌های گوناگون دیگری نیز دارد. رابطه آمریکا با دانمارک رابطه آمریکا با متحدین ناتو، ماهیت خود مختارانه گرینلند و عدم تمایل به پیوستن به کشورهای دیگر و از همه مهم‌تر بازگشت آمریکا به سیاست استعماری گسترش سرزمینی،

دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده، در مورد سه مساله که با پدیده سرزمین و حاکمیت ارضی دیگر کشورها ارتباط پیدا می‌کند، حرف‌های جنجال‌برانگیزی زده است؛ ترامپ خواسته که کانادا به آمریکاالحاق شده و ایالت پنجاه و یکم آمریکا شود؛ در مورد به دست گرفتن مجدد کنترل کانال پاناما که اقیانوس آرام و اطلس را به هم وصل می‌کند، سخن گفته و لزوم فروش گرینلند توسط دانمارک به آمریکا را به پیش کشیده است. مورخ مشترک هر سه مورد اولا توسعه طلبی سرزمین و ثانیاً همگی در ارتباط با متحدین و دوستان آمریکا قرار گرفت می‌باشد. البته هر کدام از این سه موضوع سرزمین، ماهیت و منطق ژئوپلتیک خود را دارند و تک تک در خور بررسی و دقت تحلیلی می‌باشند. اما در بین این سه مورد، موضوع گرینلند از جهاتی حساس‌تر است.

علت حساسیت و اهمیت آن، پیوند عمیق با منازعات ژئوپلتیکی قطب شمال می‌باشد. قطب شمال، یکی از پرمانقه‌ترین حوزه‌های ژئوپلتیکی در سیاست جهانی است و البته سوابق آمریکا در تلاش برای به دست آوردن گرینلند، ریشه‌دارتر می‌باشد.

البته دو مورد دیگر نیز هر کدام پیچیدگی‌های خود را دارد. موضوع گرینلند و ارتباط آن با مسائل ژئوپلتیکی قطب شمال، این پرسش را به میان می‌کشد که به طور کلی ماهیت قطب شمال و ارتباط آن با سیاست بین‌المللی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ در پاسخ ابتدا باید به دگرگونی‌های ژئوپلتیکی قطب شمال کنش‌های ایالات متحده در قطب شمال و «موضوع گرینلند» پرداخت.

در دوران جنگ سرد، در قالب رقابت استراتژیک آمریکا و شوروی تعریف می‌شد و به نوعی انحصار کنشگری و آن هم کنشگری نظامی، در اختیار واشنگتن و مسکو بود. اما در دوران بعد از جنگ سرد، از نظر ژئوپلتیک، دگرگونی‌های قابل توجهی در قطب شمال رخ داد و آن باز شدن این منطقه نسبتاً بسته و افزایش کنشگران در آن منطقه و البته چندوجهی شدن پدیده‌های مربوط به قطب شمال می‌باشد. مهم‌ترین وجه شاید تغییرات اقلیمی در قطب شمال، پیوسته‌ترین و وحشیانه‌ترین تغییرات اقلیمی در جهان است. ترومن به دانمارک که مالکیت گرینلند را در اختیار دارد، پیشنهاد ۱۰۰ میلیون دلاری داد ولی دانمارک موافقت نکرد ولی در ۱۹۵۳ با قرارداد ویژه نظامی برای استقرار نیروهای نظامی آمریکا در گرینلند موافقت کرد. آرزوی خرید و الحاق گرینلند در دوره اول ترامپ در ۲۰۱۹ مطرح شد. اما به نظر می‌رسد که در دور دوم سروصدا و ماجرای گرینلند، متفاوت‌تر باشد

از همه مهم‌تر، افزایش چگالی و عظمت نظامی کنشگران موثر بین‌المللی در این منطقه می‌باشد؛ مخصوصاً چین و روسیه و البته آمریکا، به قطب شمال به عنوان حوزه‌های نظامی و استراتژیک می‌نگرند. بخشی از حمله نظامی روسیه به اوکراین، با استفاده از امکانات نظامی آن کشور در قطب